

افق‌های تاریک سکولاریسم و چالش‌های فراروی آن در خاورمیانه

○ ترجمه: علی علیمحمدی

نتوانسته‌اند با انتخاب جایگزینی مناسب در کنار جنبش‌های اسلامی - که در حال بازسازی و گسترش در میان ملت‌ها هستند - گذشته خود را جبران کنند. اسپوزیتو به طور مبسوط موقعیت و شرایط این پدیده را در کشورهایی چون الجزایر، ترکیه و تا حدودی تونس مورد بحث قرار داده و به نتیجه‌گیری درباره ظهور آنچه «سکولاریسم بنیادگرا» در این کشورها نامیده می‌شود، می‌پردازد. به باور او خطر این بنیادگرایی جدید در نوع نگاهی است که این پدیده را به تنها «گزینه ممکن» برای انتخاب، آن هم انتخابی نه از روی دانش، تحمیل می‌کند. و بر این تصور است که این تنها راهی است که جوامع باید در مسیر آن حرکت کنند (ص ۹).

مشکل دیگر نخبگان سکولاریسم حاکم بر این جوامع این است که آنان نمی‌خواهند خود را با تحولات اجتماعی، فکری و سیاسی عمیق و ریشه‌داری چون گسترش بعضی جریان‌های ملی‌گرای غیرسکولار و به خصوص اسلامی، که در این کشورها در حال وقوع است، هماهنگ ساخته و ابزار و راهکارهایی به جز سرکوب آنها برای تعامل با این تحولات و چالش‌ها بیندیشند.

تناقض قابل تأملی که اسپوزیتو به آن می‌پردازد این نکته است که به رغم آن‌که پایه‌گذاران پدیده سکولاریسم در خاورمیانه خود را همواره پیشگام و همسو با آزادی، تسامح و تساهل، دموکراسی و لیبرالیسم می‌دانند، این پدیده در واقع با نوعی دیکتاتوری و حاکمانی مستبد همراه شده است. وی سپس به نمونه‌های عینی این مسئله مانند اتحاد و هم‌پیمانی ارتش و دستگاه‌های امنیتی با نخبگان سکولار حاکم برای عقیم کردن تحولات دموکراسی اشاره می‌کند؛ از جمله موفقیت جبهه نجات اسلامی الجزایر یا پیروزی حزب رفاه ترکیه در کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان و به دست گرفتن دولت از سوی نجم‌الدین اربکان یا موفقیت جنبش نهضت تونس در دستیابی به بسیاری از کرسی‌های پارلمان این کشور.

تاریخ اندیشه‌های سکولاریسم عربی

اما عزام تمیمی، مدیر مؤسسه «اندیشه اسلامی» در لندن، اصول

○ اسلام و سکولاریسم در خاورمیانه^۱

○ عزام تمیمی، جان اسپوزیتو

○ ۲۱۴ صفحه

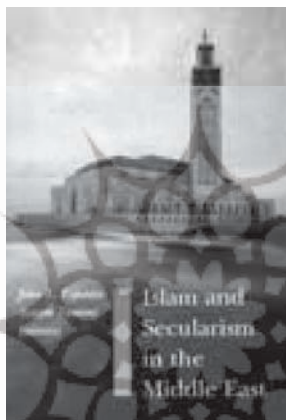
○ چاپ اول، ۲۰۰۰ م

مقدمه:

از سکولاریسم، یکی از پدیده‌های فکری معاصر که محصول اندیشه غرب در طول چند قرن گذشته است، تفسیرها و آثار مختلفی ارائه شده است. اثر حاضر، این پدیده فکری را بررسی کرده و معتقد است راهبردهای حاکمیت سکولار در خاورمیانه فقط برای رسیدن به خواسته‌های سلطه‌جویانه و قدرت‌طلبانه از یک سو و تفسیرهای غیرمنطقی از سکولار توسط حاکمان از سوی دیگر، برای استحاله اندیشه‌ها و باورهای اسلامی است که با چالش‌ها و افق‌های تاریکی روبه‌روست و در شرایط کنونی استقبال از آن در سطح عامه مردم و حتی در سطح نخبگان و روشنفکران نیز دچار تفریط شده است. عزام تمیمی، جان اسپوزیتو، جان کین، عبدالوهاب المسیری و پرویز منصور این موضوع را از ابعاد گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. درباره این اثر مقاله‌ای نوشته شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم. (م)

نظریه اصلی و مانیفست مقالات گرد آمده در این اثر، بر این اندیشه استوار است که جریان سکولاریسم در کشورهای خاورمیانه و به‌ویژه جهان عرب، با شکست مواجه شده و به تدریج به نفع جریان تفکر اسلامی در حال فروپاشی است. در پی‌ریزی این نظریه، یکی از نویسندگان این اثر، جان اسپوزیتو پروفیسور و استاد علم ادیان و روابط بین‌الملل دانشگاه جرج تاون، پیشگفتاری تحلیلی درباره وضع پدیده سکولاریسم در خاورمیانه در اوایل قرن بیست و یکم ارائه کرده و به این نکته تأکید دارد که زوال تدریجی پدیده سکولاریسم در این منطقه نه تنها در میان عامه مردم بلکه در سطح نخبگان نیز ملموس است.

اسپوزیتو بر این باور است که نخبگان سکولاریسم که بر اکثر این جوامع حاکمیت دارند، قادر به درک این زوال تدریجی نبوده‌اند و



سرکوب می‌کنند و در فرانسه با نام سکولاریسم به اقداماتی چون منع حجاب یا فشار بر مسلمانان تحت عناوینی مانند ادغام و هم‌آمیزی یا مبارزه با تعدد فرهنگی دست می‌زنند.

تعریف جدید سکولاریسم

عبدالوهاب المسیری، پروفیسور و استاد ادبیات انگلیسی و متخصص در زمینه صهیونیسم و سکولاریسم، در این اثر درباره‌ی تعریف‌های اصلی سکولاریسم بحث کرده و مفاهیم جدیدی را مطرح می‌کند. وی در مقابل تعریف معروف «سکولاریسم فصل دین از دولت است» تعریف جدیدی مطرح می‌کند. تعریفی که در آن به توصیف ماهیت نگاه سکولاریسم به جهان، از طریق جدا کردن سکولاریسم جزءنگر (یعنی تقابل دین و دولت) از سکولاریسم کل‌نگر که هدفش درک دنیا و جامعه بشری طبق نظریات سختگیرانه سکولاریسم که شامل تمام ابعاد زندگی و نه فقط سیاسی (یعنی دولت و دستگاه‌های حکومتی) است، می‌پردازد.

المسیری اعتقاد دارد، این دقیق‌ترین و کاربردی‌ترین تعریف در فهم تحولات سکولاریسم به عنوان یک موضوع مستمر است و همچنین درک این نکته که پدیده سکولاریسم موضوع ساده‌ای نیست که انتظار داشته باشیم با گروه‌های دیگر فکری و نهادهای اجتماعی - انسانی با تسامح و نرمی برخورد کند. در واقع پدیده سکولاریسم روشی کل‌نگر و همه‌جانبه برای زندگی بنا نهاده است که به حداقل‌ها نیز راضی نیست. به این معنی که نظریه مادیکرانه تنها مادیات را شامل نمی‌شود بلکه ابعاد روحی و انسانی بشر را نیز دربرمی‌گیرد.

سلب قداست از سکولاریسم

پرویز منصور، نویسنده و پژوهشگر آسیایی در حوزه اسلامی، با ارائه مقاله‌ای پژوهشی، به تفکیک و سلب قداست از سکولاریسم و نفی این ادعای رایج که سکولاریسم مأمّن علم و حقیقت است، پرداخته است. منصور با سیر در ساختارهای اندیشه غربی و تعریف این اندیشه نوری و جایگاه آن و نگاه به عصاره سکولاریسمی آن به عنوان حاصل تحول و دگرگونی تاریخ غرب و نیز با به کنار نهادن تصور کاربرد اجباری آن بر جوامع با توجه تحولات تاریخی دیگر مناطق جهان، به این تفکیک رسیده است.

وی بر این باور است که نباید به سکولاریسم به عنوان یک «نظریه بزرگ» که قادر به تفسیر همه پدیده‌هاست یا در هر زمان و مکانی قابل اجراست، نگاه کنیم. همچنان که نباید با این تصور که بحث در این باره، نزاع میان ارزش‌های اعتقادی و ایمانی اسلام با خاستگاه و یافته‌های فکری مدرنیته یا درگیری میان تمایل اسلام برای قدرت و نظام جهانی قدرتمند، از بررسی این موضوع اجتناب کنیم. (ص ۹۶).^۲

پی‌نوشتها:

1- Islam and Secularism in the Middle East
Azzam tamimi, John L. Esposito
P. 214,2000

۲ - منبع: جزیره نت

سکولاریسم عربی را از بعد تاریخی بررسی کرده و درباره‌ی مباحثات و مناقشات فکری که از همان ابتدای ارتباط اندیشه عربی - غربی بروز کرد، بحث می‌کند و فعالیت‌های «اسلام‌گرایان نوگرا»ی نخستین چون رفاة الطهطاوی، جمال‌الدین افغانی [اسدابادی] و محمدعبده را بررسی می‌کند که با حفظ هویت، تمدن و فرهنگ اسلامی خویش از فرهنگ و تمدن غرب اقتباس کردند. پس از آن نقش نخستین «مسیحیان نوگرا»، مانند شبلی شملیل، فرح انطوان، جرجی زیدان، سلامه موسی و همفکران آنها را در تقدم افکار ناسیونالیستی و جایگاه برتر این اندیشه بر سنت‌ها و آداب و رسوم و دین مورد توجه قرار می‌دهد. تمیمی سپس به نسل دوم نوگرایان از جمله احمد لطفی السید و قاسم امین - که از شاگردان محمد عبده بودند - می‌پردازد و تأثیرپذیری آنان را از نظریه‌های «مسیحیان نوگرا» به‌ویژه در نوع نگاه به اسلام - همان نگاه اروپا به مسیحیت و در نتیجه دعوت به جدایی دین از زندگی اجتماعی و عمومی - بررسی می‌کند.

همسویی سکولاریسم با دیکتاتوری

جان کین، پروفیسور و استاد علوم سیاسی در دانشگاه وست‌مینستر در مقاله‌اش پدیده سکولاریسم و حدود و چارچوب آن را بررسی می‌کند و خاستگاه و ریشه‌های غربی و رسالت اصلی آن را که همانا جلوگیری از دخالت دین در همه امور براساس سیاق اروپایی است، مورد بحث قرار داده و دغدغه حاصل برای طرفداران سکولاریسم را این‌گونه مطرح می‌کند که اگر پدیده سکولاریسم بدون آزادی اندیشه و دموکراسی رشد و تکامل یابد، آیا به جزمیت و دگماتیسم سیاسی دچار نمی‌شود؟

جان کین در بررسی مهم‌ترین نظریه‌های برجسته‌ترین مدافعان سکولاریسم در شرایط کنونی، به این باور می‌رسد که سکولاریسم با تناقض‌هایی مواجه است که امکان‌هایی از آنها متصور نیست. هرچند که این تناقض‌ها در حدی نیست که به سقوط و اضمحلال کامل سکولاریسم از درون منجر شود. تناقض اول را می‌توان از طرفی در دعوت سکولاریسم به آزادی دین، آزادی تجمعات دینی و از طرفی دخالت دین در امور عمومی و سیاسی به این اعتبار که دین می‌تواند نقش مهمی در سیاست داشته باشد، ملاحظه کرد. تحت این شرایط سکولاریسم جز این‌که به آزادی ادیان و فعالیت‌های دینی تن داده و به تناقض داخلی موجود که به نابودی آن منجر خواهد شد، اعتراف نماید، چاره‌ای نمی‌بیند، زیرا در آن صورت فاقد ویژگی‌های لیبرالیسم است.

تناقض دوم را می‌توان در تلازم «عدم یقین وجودی» با سکولاریسم، به جای ایجاد «یقین دینی» در افراد مشاهده کرد. در حالی که این امر نیازهای انسانی و تمایلات روانی بشر امروزی را که با فشارها، مشکلات و بحران‌های فراوانی روبه‌روست و به آرامش و آسایش نیاز دارد، برطرف نمی‌کند و اینجاست که اهمیت «دین و مسئولیت آن» مشخص می‌شود (ص ۳۳).

کین به تناقض داخلی دیگری نیز اشاره می‌کند که سکولاریسم را با ابزار گوناگون به دیکتاتوری نزدیک می‌کند. وی در این زمینه ترکیه و تا حدی فرانسه را به عنوان نمونه بیان می‌کند؛ در ترکیه نظامیان یا دست‌آویز قرار دادن مسائلی، چون حفظ قانون سکولاریسم، توسعه گسترده اسلامی را